

بهزاد شسیربانی؛ جواد جلالی، ازجمله هنرمندانی است که بخش اقلام تبلیغی جشنواره فیلم فجر را داوری کرد. او که تاکنون جوایز داخلی و بین‌المللی بسیاری را در عکاسی دریافت کرده است و در عکاسی فیلم توانست جایگاهش را تثبیت کند، این بار آثار همکارانش را ارزیابی کرده است. به همین بهانه با او درباره چگونگی کیفیت عکس‌های فیلم و داوری بخش اقلام تبلیغی صحبت کردیم که در ادامه می‌خوانید:

بهزاد شسیربانی، جواد جلالی، ازجمله هنرمندانی است که بخش اقلام تبلیغی جشنواره فیلم فجر را داوری کرد.

✎ **تعریفی کلاسیک از عکاسی فیلم، مبنی بر اینکه هر فریم باید کلتی یا فیلم ارائه کند، وجود دارد. تجربه و تخصص شما چه تعریفی از عکاسی فیلم ارائه می‌دهد؟**

خلق عکس و نگاه عکاسانه، چه در سینما و چه در هرکدام از شاخه‌های عکاسی، اصول و زیبایی‌شناسی مشترکی را در مینا و ذات خود دارد که آن را به اثر تبدیل می‌کند، از ثبت ساده و سردستی جدا کرده و به ماندگارشدنش در طول زمان قوام و بقا می‌بخشد. چگونگی رسیدن به این زیبایی‌شناسی در عکس و رساندن پیام و فحوای موجود در آن به مخاطب، نیاز به دانستن چگونگی پیوند میان علم و تکنیک، تجربه و احساس در عکاس دارد و شناخت کافی از محیطی که او در آن شاتر می‌زند و زندگی می‌کند. شناخت و تجربه حرفه‌ای، آکادمیک و درونی؛ داشتن هر کدام از این فاکتورها به تنهایی نمی‌تواند عکس را به بلوغ لازم برساند و مستلزم به‌وجودآمدن اثری خوب و هنرمندانه شود و اینها در کنار هم شکل واحدی از دانش و شهود در عکاسی را می‌سازند که اثری ویژه خواهد ساخت. در شکل عمومی، تعریفی که از عکاسی فیلم می‌شود، وجوهاتی مانند تبلیغات (پوستر، بیلبورد، تراکت، روی جلد) برای کشاندن مخاطب به سالن‌های سینما و فروش فیلم، را دربر می‌گیرد. از طرفی چاپ عکس‌ها در مجلات و روزنامه‌های مرتبط، به نوعی رونمایی از حال‌وهوا و اتمسفر فیلم پیش از نمایش و در جریان گذاشتن طیف وسیع علاقه‌مندان به سینما است که دوست دارند فیلم و فیلم‌ساز موردعلاقه خود را حین ساختن اثرش دنبال کنند.

اما در واقع آنچه مهم است، اثری است که در نهایت ساخته، خلق و ارائه می‌شود که نامش در این حیطه عکس است. فریمی که می‌تواند حرفی برای گفتن و جانی برای ماندن داشته باشد. چه بهتر و زیباتر، آنچه قرار است اولین رابطه را با مخاطب برقرار کند، به پختگی و شعور لازم در بیان رسیده باشد که بیشیشی جدید و نگاهی جلوتر از آنچه وجوه تجاری و تبلیغاتی می‌نامیم، داشته باشد.

✎ **پس به نوعی می‌توان نگاه عکاس فیلم را در درخشش فیلم و ماندنی‌شدنش در اذهان دخیل کرد.**

عکس زمانی به مفهوم واقعی خود می‌رسد که به شکل مستقل، زبان گویایی باشد در یک فریم نسبت به آن لحظه که مانا شده است. سوزه، کاراکتر، مکان و موقعیت مقابل دوربین عکاس تنها جزئی از کلتی است که باید باشد. «آن» مدتی عکاس و هوشمندبودنش در چگونه‌دیدن و روایت‌کردن اوست که باعث درخشش سوزه می‌شود. اینکه عکاس با نگاه خود از پشت ویزورث بتواند جهان شخصی خودش را نیز بسازد و مخاطب عکس را با آن همراه کند، اهمیت بیشتری دارد. کاراکتری که عکاس از سوزه می‌سازد، به معنای کلمه می‌تواند کامل‌تر باشد و رساتر از آنچه هست؛ حال چه در عکاسی سینما و چه در هر شاخه دیگری در هنر عکاسی. بسیاری از کاراکترهای ماندنی و جذاب سینما را هنر جوی ما بدین عکس‌های فیلمی خاص به یاد می‌آوریم و حس درونی‌شده فیلم است که با دیدن آن عکس در جان مخاطب تداعی می‌شود.

✎ **شاخصه و ویژگی‌های مهم در عکاسی فیلم به شکل علمی، عملی و نظری را چگونه می‌بینید؟**

از آنجایی که در سینما، ابتدا فیلم‌نامه است که کاراکترها در آن ساخته می‌شوند و سیر دراماتیک قصه در آن به وجود می‌آید، خب قطعا برای عکاسی که از او عوت به کار می‌شود، لازم است فیلم‌نامه را با جزئیاتش بخواند و این سرزمین را بشناسد و حتی تصویر ذهنی از لوکیشن‌ها و کاراکترها برای خود بسازد. روی فیلم‌نامه از لنرها، فیلترها و متعلقاتی که می‌تواند بهتر استفاده کند، یادداشت‌برداری کند. زمانی که او برای تست گرم شروع به شاتردن می‌کند، می‌تواند با کمک ایده طراح گرم روی صورت یا بدن بازیگر که حالا قرار است به نقش روی فیلم‌نامه جان بدهد، به مدیوم‌هایی از شناخت بهتر کاراکتر و ثبت بهتر از او برسد. چه بسیار پرتره‌های درخشان‌ای که می‌تواند در همین تست‌های ساده گرم گرفته شود؛ چیزی که در پروسه عکاسی از فیلم از نگاه بسیاری ممکن است اهمیتی آنچنان نداشته باشد و صرفا برای آرشوی برای طراح گرم یا چاپ عکس‌های تست گرم در روزنامه ما مجله برای اطلاع دیگران از آغاز فیلم‌برداری باشد. شناخت عکاس از میزان نور محیط، دقت در انتخاب لنز و کیفیت آن، دیافراگم و سرعت شاتر و فیلترهای اپتیکال، ضروری است. انتخاب لنرها، کیت و کمیت مناسب برای ثبت را دارا باشند و کیفیت نهایی عکس را از نگاه تبلیغاتی و زیبایی ظاهری آن مخدوش نکنند. چگونه‌دیدن و چقدردیدن معماری، محیط و اتمسفر اطراف سوزه و پیش‌بینی میزان جابه‌جایی سوزه برای ثبت درست نور و حرکتش مهم است. آشنایی با عکاسی پرتره، آشنایی با عکاسی معماری، آشنایی با عکاسی خبری و اجتماعی برای رسیدن به نگاهی جامع‌تر و فریمی پذیرفتنی در فیلم اهمیت دارد. عکاس فیلم باید به تجربه وسیع‌تری در عکاسی در فیلم برسد. دوربین به دست باشد و وقایع اطرافش را عاشقانه و نه از روی حضور کارمندگونه ببیند و ثبت کند.

ویلیام گلدمن در تعریف فیلم می‌گوید « چونان رؤیا، چونان موسیقی. هیچ هنری به اندازه سینما از آگاهی ما در نمی‌گذرد و راست به سراغ احساسات ما در زرفای اتاق‌های تاریک روحمان نفوذ نمی‌کند». نگاه خاص هر هنرمندی به شکلی از ماهیت زندگی او می‌آید و تنهایی‌هایش، تفکراتش و دغدغه‌مندبودنش، به مطالعاتش، دیدن‌هایش، شنیدن‌هایش و گزینش‌کردن‌هایش. هر فریم حامل انرژی ویژه‌ای از اوست که قسمت عمده‌ای از آن به خالق آن باز می‌گردد. حضور صورتی خاص و زیبا، یا دیدن فرمی عجیب و پیچیده، یا یافتن کار(اکتری منحصربه‌فرد مقابل دوربین، ضمن تبدیل‌شدن آن به فریم خوب نیست، لحظه‌ای که خالق با کاراکتر مقابل دوربینش می‌سازد و زمانی که برای شناخت او پیش از ثبت او صرف می‌کند و منجر به آگاهی بیشتر او می‌شود، اصل است. آگاهی او از رفتارشناسی، فرهنگ، جامعه و انسان‌شناسی است که مهم است، آگاهی از موسیقی عموماً رفتار اوست که در ریتم عکس بازتاب می‌یابد و فریمش را متفاوت می‌کند. رابطه خالق و اثر است که می‌تواند بازتابش فریم یا مجموعه فریم گویا و کامل باشد. میزان مطالعه او روی شخصیت‌هایی که قصد تصویرکردن‌شان را دارد. قطعا لحظاتی در بازی و صورت و فیزیک بدن بازیگر در صحنه وجود دارد که فقط همان دم است و می‌تواند به عطف بازی او بدل شود. روح و جانی که باعث ماندگارشدن آن» بازی او می‌شود، باید در فریمی ثبت شود و لحظه درخشش او استمرار یابد و

اصولا آنچه مستقیما می‌تواند به کیفیت اولیه فریم‌های عکاس صحنه در حین فیلم‌برداری کمک شایانی کند، توجه او به میزانش کارگردان و چگونه‌دیدن قاب و نور مدیر فیلم‌برداری، حرکت بازیگران در صحنه و چیدمان طراح صحنه است. آنچه عکاس ثبت می‌کند، می‌تواند این چیزی باشد که در صحنه متکی به دیلوپاز کارگردان و تعامل او با فیلم‌بردار است. آن به نگاه مستمر عکاس به تمرین‌های شخصی بازیگر، نوشتن لحظات خاص بازی یا دیالوگ‌های او، در یادداشت‌های شخصی عکاس بازمی‌گردد. این فریم می‌تواند حاصل تمرین پیش از اجرای اصلی کارگردان یا بازیگر برای رسیدن بازیگر به نقشش و اندازه حرکت او در میزانش هم باشد.

✎ **اما به نظر می‌رسد در بسیاری از مواقع فرایند ساخت فیلم در ایران این اجازه را به عکاس فیلم نمی‌دهد که آگاهی کافی بر کارکی که قرار است انجام دهد، داشته باشد.**

آگاهی نیاز به تمرین مستمر و زندگی‌کردن در لحظه دارد. لذت‌بردن از هر آنچه هست. آگاهی حاصل مراقبه شخصی و مداوم است. حاصل تأمل و تعمق در زندگی و انسان هاست. به‌هرحال این عکاس است که پیش از دوربین‌به‌دست‌شدن، عکس‌های زیادی را با چشمان خود گرفته و آنها را به حافظه خود سپرده است و به عقیده من، وجود مدیوم مانند دوربین به آنچه که در ذهن ثبت کرده، تحقق نمی‌بخشد و هر لحظه از بودنش را تبدیل به فرصت می‌کند و آنجایی عکس می‌سازد که دیگران تصویری از آن در ذهن



ندارند. عکاس صاحب‌نگاه می‌تواند به تعریف خود از آنچه می‌بیند، برسد و جهانی عکاسانه و خلاقانه‌تر بسازد. در واقع عملی عاشقانه است و نباید پروسه خلاقیت در آن گشته یا محدود شود. اصولا اثری که با ذهن رها خلق می‌شود، مخاطب را بیشتر جذب می‌کند. فراموش نکنید که بخشی از اثر شما نشان‌دهنده احساسات و حالات روحی شما در زمان خلق اثر است. ذهنی که همواره نگران رضایت مشتری و دریافت پول کافی است، نمی‌تواند از قیدوبندها رها شود و اثری یکتا خلق کند و تعریفی بر آگاهی ندارد و استخدام می‌شود تا کاری را به شکل همیشگی صرفا انجام دهد. زمانی که نگرانی را از خود دور می‌کنید و باری روی دوش خود حس نمی‌کنید، به‌خوبی بازتاب آن در اثر شما نمایان می‌شود. تجربه جدید در ترکیب‌بندی و زاویه دید. شکستن مرزهای تخریب‌کننده و آزاددهنده تکرار، برای رسیدن به آگاهی اثر و خلاقیت. استفاده از تکنیک‌هایی در عکاسی مانند بینیک که در سینما می‌تواند کاربرد زیادی داشته باشد و پویایی و حرکت را به‌درستی تداعی کند، کمتر به چشم می‌خورد یا اصلا تجربه جدی نمی‌شود. همه این تغییرات کوچک می‌تواند عکاس و عکس را در جهت خلاقیتش، آگاه‌تر و کامل‌تر کند. عکاسی از فیلم، نوشتن چکیده‌ای از فیلم با قلم دوربین بیند.

✎ **مدتی است که داوری بخش اقلام تبلیغی را به پایان رسانده‌اید و قطعا در این مدت مجموعه‌های بسیاری از عکاسان را دیده‌اید. البته امسال این فرصت فراهم بود که عکاسان در قالب هشت عکس صحنه و چهار عکس پشت صحنه مجموعه را روایت کنند. طبعاً عکاس‌های پشت صحنه روایت دیگری از حال و هوای فیلم دارد، کیفیت این بخش از عکس‌ها چطور بود؟**



از آنجایی‌که عکس فیلم شناسنامه و اعتبارنامه بصری فیلم است؛ در معنای عمومی هنر، باید عام ببیند و درک کند و نگاه خاص را هم تأمین کند و مورد پسند او نیز واقع شود. بسیاری از فیلم‌های جاودان که می‌شناسیم، امروزه با مجموعه فریمی یا تک‌فریمی از آنها نوشته و یاد می‌شود. عکس فیلم به تاریخی پیوند می‌خورد که نگاه ویژه‌تر عکاس پشت آن، در اعماق وجود مخاطب و بیننده لحظه‌ای درخشان را تداعی می‌کند و تأثیری باقرآینده از کل فیلم به شکلی خزنده و فراگیر در روح و جان مخاطب دارد. در هر مجموعه عکسی، از آنجایی‌که مجموعه است و تک‌فریم دیده نمی‌شود و سری آنها در کنار هم قرار است به مفهوم واحدی برسد، انتخاب سخت‌تر می‌شود. آنچه می‌تواند در ۱۲ فریم منسجم در واقع نگاه قصه‌گو، مستقل، هنرمندانه و همراه با کشف و شهود عکاس باشد. به عقیده من، عکاسی پشت صحنه تلفیقی از عکاسی سینما، عکاسی خبری و مستند اجتماعی است؛ مستنداتی که سال‌های سال باقی خواهد ماند و عکس‌های بی‌نظیری از پروسه ساخت فیلم در همان فریم‌های پشت‌صحنه اتفاق می‌افتد. مان‌جای ثبت و لازمه آن، سرعت عمل و آمادگی عکاس است.

در فریم‌های پشت صحنه که اصولا می‌توان ویژه تردیدش، عموما کارگردان، مدیر فیلم‌برداری، بازیگران و بوم صدا به چشم می‌خورد. اصولا انسان‌های دیگری که در پشت صحنه زندگی می‌کنند، از نگاه عکاس دور مانده‌اند. کسانی که به همان نسبت دیگران در ساخته‌شدن فیلم شراکت دارند.

✎ **و کلت مجموعه‌هایی را که داوری کردید چطور ارزیابی می‌کنید؟**

انسجام حسی، روایی، تکنیکی و پویایی اصول مهم در انتخاب مجموعه برتر بودند. قطعا روایت عکاس در فریم‌های انتخابی‌اش، به معنای قصه فیلم است، نگاه تصویری او که گویای حس‌وحال فیلم، اتفاقات مهم و احساسی و تأثیرگذار در فیلم، به‌وجودآوردن جذابیت برای مواجه‌شدن مخاطب با فیلم است. موارد اولیه بصری مانند ثبت یا اکسپوز خوب، درست و زیبا، چاپ و اصلاح رنگ

گفت‌وگو با جواد جلالی داور بخش اقلام تبلیغی جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر

عکس، شناسنامه بصری فیلم است



دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۵ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۹۰ • ۹

روزنامه شرق

روى صحنه

چند نکته درباره نمایش «گرگ ومیش» از کشور سوئیس اتاق الکتریسته در مولوی

سارا عابدی

وقتی قالب‌ها و اصول درام در یک متن نادیده گرفته شود و ساختارهای دراماتیک‌بودن آثار خاص شود یا از یک فیلم خاص جدا دور نگر داشته شود، دلیل جنگولک‌بازی و هر شوافی، به تئاتر و نمایش بدل می‌شود؛ طوری که به‌راحتی در مهم‌ترین اتفاق هنری؛ یعنی جشنواره بین‌المللی که نماد هنر تئاتر یک ملت هست، حضور پیدا می‌کند و باعث می‌شود هنر تئاتر را برای اثری عاری از عناصر درام، به یکد بشد. نمایش «گرگ و میش» شرکت‌کننده از کشور سوئیس که در تالار مولوی اجرا شد، اتاقی با ظرفیت ۲۸ نفر که گردگرد این اتاق روبه‌روی هم می‌نشستند و بالای سرشان پر از لامپ‌های سوسوزن و روی زمین نیز پر از سیم و کابل برق بود که همراه با صداها و افکت‌هایی که از بیرون پخش می‌شد، لامپ‌ها عکس‌العمل نشان می‌دادند و مدام روشن و خاموش می‌شدند... لازم بود اعلام می‌کردند با عینک جوشکاری وارد شوید. این اتاقک چیزی شبیه اتاق جوشکاری با اتاق برق بود. نه پرفورمنسی بود و نه تئاتری در کار بود، فقط جریان برق کاراکتر اصلی بود.

انگیزه انتخاب این نمایش در فستیوالی بین‌المللی، آن‌هم مهم‌ترین اتفاق هنری، چه بود! متوجه نشدم!!



طبق معمول روال همیشگی جشنواره، خیلی از مخاطبان که نمی‌دانستند گنجایش این کار ۲۸ نفر است، (چون اطلاع‌رسانی نشده بود) در این سرما، از راه‌های دور آمده بودند و از شالیشان، نتوانستند جریان الکتریسته جوشکاری و گوشخراش را به چشمتشان وارد کنند؛ با ناراحتی برگشتند.

ابتدا کارگردان با مخاطبان در لابی مولوی، صحبت کرد و مترجم گروه ترجمه کرد. او گفت: در این نمایش به دنبال داستان نباشید، فقط رؤیابرداری کنید. کیف و موبایل هم باید تحویل می‌دادیم. یعنی مخاطبان هر یک خودشان نویسنده متن این نمایش الکتریکی بودند.

اتاقی در وسط سن تالار مولوی تعبیه شده بود که مخاطبان در آن می‌نشستند. سپس جریان برق شروع می‌شد و اتصال و افکت‌ها، نور هم بازی می‌کرد... درواقع بازیگر اصلی این کار جریان برق و نور الکتریسته بود که پیامد آن چشم‌درد و سردرد بود.

اگر از تعدد نمایش‌های خارجی کاسته می‌شد و هزینه‌های آن را به یک کار ارزشمند می‌دادند، مسلما بهتر بود تا اینکه تعداد زیادی از کشورهای مختلف حضور پیدا کنند، اما بدون کیفیت. ما همیشه در همه موارد، کیفیت را فدای کمیت می‌کنیم. امیدوارم در روزهای آتی شاهد کار ارزنده و قابل‌تأملی باشیم.

هنر

دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۵ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۹۰ • ۹

شرق روزنامه

درپچه

دعواهای غیرمردمی بر سر جایزه مردمی

شکار چیان، در کمین سیمرغ مردمی

شرق: «سیمرغ مردمی» یا جایزه «بهترین فیلم از نگاه تماشاگران» چند سالی است اسیر «حاشیه» شده و برخی از هیچ اقدامی برای به‌چنگ‌آوردن آن دریغ نمی‌کنند. دو سال پیش بود که شایعه کردند برخی را اتوبوس مخاطب به سالن‌های جشنواره می‌برند و برخی دیگر بلیت‌های یک فیلم را می‌خرند و در صندوق فیلم دیگری می‌اندازند! اقداماتی که جملگی برای آن است تا سیمرغ مردمی عاید یک فیلم خاص شود یا از یک فیلم خاص جدا دور نگر داشته شود. دلیل اقبال آرای مردمی در میان تهیه‌کنندگان این است که سیمرغ مردمی به‌نوعی تضمین فروش بیشتر در زمان اکران است و از دید کارگردان، اعتباری برای کار و دریافت سیمرغ بلورین این بخش. در واقع دریافت عنوان بهترین فیلم از نگاه تماشاگران می‌تواند مهر تأییدی بر کیفیت آن فیلم از دید مخاطب باشد. سیمرغ مردمی جشنواره فیلم فجر در همه سال‌ها به یکی از بحث‌برانگیزترین و جنجالی‌ترین سیمرغ‌هایی که در روز اختتامیه معرفی می‌شود تبدیل شده. طبعاً برای بسیاری از صاحبان آثار رضایت مخاطبان فیلم و گرفتن نمره قبولی از آنها اتفاق مهم‌تری است. از روزهای نخستین برگزاری جشنواره اعلام فهرست فیلم‌هایی که در صدر رضایت مخاطبان جشنواره فیلم فجر قرار گرفته از مهم‌ترین حواشی است که گاهی مثل سال گذشته حتی مهم‌تر از متن می‌شود. امسال همه فیلم‌های حاضر در جشنواره از امتیاز حضور در رای‌گیری سیمرغ مردمی جشنواره فیلم فجر برخوردارند و براین‌اساس رقابت بیشتری بین آثار حاضر در جشنواره وجود دارد. در بسیاری از سال‌های برگزاری جشنواره فیلم فجر، انطباق فیلم برگزیده هیئت داوران و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران امتیاز ویژه‌ای برای فیلم‌ها محسوب شده است و طبعاً در اکران بازخوردهای بهتری گرفته شده است. سال گذشته نیز این اتفاق تکرار شد و «ابد و یک روز» توانست نظر هیئت داوران جشنواره و مردم را جلب کند و به یکی از بهترین فیلم‌های سال‌های اخیر سینمای ایران تبدیل شود. امسال هم مثل سال‌های گذشته، قرار است روند مشخص‌شدن بهترین فیلم براساس آرای مردمی را خانه سینما بر عهده بگیرد. برهمین‌اساس منوچهر شاهسوارى (مدیرعامل خانه سینما)، ناصر عنصرى (فانم‌مقام مدیرعامل خانه سینما) علی آشتیانی‌پور (مدیر ستاد انتخاب فیلم برگزیده) در نشستى که در این‌موقع منظور ترتیب داده شد از چگونگی اجرا و مدیریت انتخاب فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران صحبت کردند. شاهسوارى در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «از نظر ما جشنواره فیلم فجر یک ملک منافع است و متعلق به کسی نیست؛ البته مدیریت و تصمیمات مربوط به جشنواره از سوی دبیر و در دبیرخانه گرفته می‌شود اما درباره آرای مردمی از مدت‌ها قبل دوستان ما در دفتر جشنواره تلاش می‌کردند امکانی را برای فروش بلیت و رای‌گیری به شکل اینترنتی فراهم کنند که با تشخیص و صلاح‌خود خودشان با شرکت‌هایی وارد گفت‌وگو شده و به تفاهم رسیده‌اند».

او اضافه کرد: «برگزاری الکترونیکی این امر مورد تأیید ما بود و دراین‌باره در بخش آرای مردمی هم وارد گفت‌وگو شدیم؛ البته برخی ملاحظاتى را با دوستانی که در این فناوری کار می‌کردند داشتیم چراکه یک‌سری ملاحظات استثنایی به واسطه اقتضانات سینما وجود دارد و براین‌اساس ما در خانه سینما خیلی زودتر به این نتیجه رسیدیم که باید رای‌گیری بهترین فیلم مردمی را به همان شیوه سال قبل اجرا کنیم. ما در خانه سینما مطلقاً با هیچ مانعی روبه‌رو نشدیم چون شیوه قبل را به عنوان یک گزینه‌ای که به آن تسلط داشتیم کنار دست خود می‌دیدیم. به‌همین‌دلیل نگرانی‌های خود را از بابت سایت اطلاع دادیم. هرچند طراحان سایت از جوانان نخبه بودند و ما از اینکه این اتفاق در یک سیستم امن الکترونیکی رخ دهد مانع نداشتیم». مدیرعامل خانه سینما تأکید کرد: «ما جز امانت‌داری رای مردم هیچ وظیفه دیگری را برای خود قائل نیستیم و وارد هیچ چالشی هم نمی‌شویم و از هیچ فشار درونی و بیرونی هم ترس نداریم و اصل، آرای مردم است که باید عین آن خوانده شود و عین آن در جداول مربوطه قرار بگیرد و نتایج نهایی حاصل شود. او درخصوص اختلال در سایت پیش‌فروش بلیت‌ها نیز گفت: «اتفاقی که رای سایت پیش‌فروش بلیت‌ها رخ داد و منجر به عذرخواهی دبیر جشنواره فیلم فجر شد اتفاقی است که ممکن بود در جاهای دیگر هم رخ دهد و احساس می‌کنم اگر دقت بیشتری می‌کردیم این‌طور نمی‌شد؛ و الا ما در مقطعی با سایت مربوطه آشنا شدیم که جشنواره توافقی‌های لازم را انجام داده بود و درباره آن سؤالاتی داشتیم که مطرح کردیم و در بخش آرای مردمی نیز جلاستی با آقای آشتیانی‌پور داشتیم تا بتوانیم خودمان را تطبیق بدهیم اما دبیر در عمل بهتر است که ما به شیوه امن سال گذشته این رای‌گیری را انجام دهیم».

در بخش دیگری از این نشست علی آشتیانی‌پور، مدیر ستاد انتخاب فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران در تشریح جزئیات رای‌گیری جشنواره امسال توضیح داد: «با توجه به شرایط موجود، مجبوریم شمارش آرای مردمی امسال را شبیه سال قبل انجام دهیم چون شکل سال گذشته قابل قبول بود و امسال تصور می‌کردیم شکل مدرن‌تری را بتوانیم اجرا کنیم؛ اما چون شرایط آن فراهم نشد به همان شیوه قبل کار را انجام می‌دهیم. برخلاف سال قبل که فقط فیلم‌های بخش «سودای سیمرغ» در رای‌گیری شرکت می‌کردند، امسال تمام ۴۴ فیلم جشنواره وارد این رای‌گیری می‌شوند و شیوه کار هم به صورت توزیع کارت‌هایی است که به تماشاگرانی که وارد سالن‌ها می‌شوند، داده می‌شود و نحوه رای‌دادن هم از طریق پشت‌اتونس، تیزر و آگهی به اطلاع مخاطبانی که در سالن‌ها حضور دارند، می‌رسد. از نکات درخور توجه این طوره این است که برای اینکه فیلم‌ها از یک امکان عادلانه برخوردار باشند باید به یک جدول عادلانه برسیم که در آن ملاحظاتى را در نظر داریم تا فیلم‌ها از امکانات برابر صدنلى و جغرافیایی سینمایی برخوردار باشند. شروع رای‌گیری فیلم‌ها از ۱۱ تا ۲۰ بهمن‌ماه است و فیلم‌هایی که فقط در سه روز اول به نمایش درمی‌آید وارد آرا می‌شوند و از روز چهارم دیگر فیلم جدیدی وارد این پروسه نمی‌شود. در سینمای آزادی، کوروش، چارسو، اریکه ایرانیان، کیان، استقلال، زندگی، جوان، بهمن، ماندانا و فرهنگ رای‌گیری صورت می‌گیرد». او افزود: «رای‌گیری برای سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر فقط در تهران انجام می‌شود و سئانشس‌های فوق‌العاده هم در رای‌گیری قرار ندارند. امسال برخلاف سال‌های قبل هرروز ۱۰ فیلم بدون هیچ ترتیب و رتبه‌بندی معرفی می‌شوند تا در پایان روز رای‌گیری برترین فیلم مشخص شود».